

روسی‌گری: تحمیل اجتماعی یا انتخاب شخصی؛ ارائه یک تحلیل کیفی^۱

اسماعیل قربانی*، مهدی کرمانی**، حسین بهروان***، حسین اکبری****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۸

چکیده

این پژوهش به واکاوی تجربه زیسته و شناخت ادراک عاملان اجتماعی پیرامون پدیده روسی‌گری می‌پردازد. پژوهش حاضر از نظر هدف پژوهش اکتشافی، از لحاظ فرایند اجرای پژوهش کیفی و مبتنی بر پارادایم تفسیری، از لحاظ نتایج پژوهش کاربردی و به لحاظ معیار زمان مطالعه مقطعی (۱۳۹۶-۱۳۹۷) است. از تحلیل نظام‌مند مصاحبه عمیق با ۱۶ نفر از عوامل بازار

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه اسماعیل قربانی با عنوان "نقد و تحلیل جامعه‌شناختی پدیده روسی‌گری از منظر توسعه اقتصادی-اجتماعی و راهکارهای مداخله در آن در ایران با تأکید بر شهر بجنورد" است.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد. e.ghorbani1981@gmail.com

** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول).

m-kermani@um.ac.ir

*** استاد بازنشسته گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

behravan@um.ac.ir

**** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. h-akbari@um.ac.ir

روسپی‌گری (روسپی، واسطه و مشتری) به روش نظریه زمینه‌ای با رویکرد اشتراوس و کوربین، ۸۰ مقوله فرعی، ۲۰ مقوله محوری و در نهایت بر اساس کدگذاری گزینشی پدیده مرکزی در قالب «روسپی‌گری، برون داد درگیری در چرخه فقر، بی‌پناهی و بهره‌کشی» صورت‌بندی شد. نتایج تحقیق نشان داد پدیده مرکزی شناسایی شده تحت تأثیر مجموعه‌ای از شرایط زمینه‌ای شامل «نقصان در قوانین مرتبط با خانواده و زنان» و «بی‌ثباتی در شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه» و شرایط مداخله‌ای شامل «محدودیت‌ها و محرومیت‌های ناشی از فرهنگ سنتی»، «ازدواج نامناسب»، «اعتیاد و تسریع در گرایش به روسپی‌گری»، «خشونت خانگی»، «ضعف مهارت‌های اجتماعی»، «خانواده متزلزل» و «سوابق تحصیلی» و شرایط علی شامل «بی‌پناهی اجتماعی»، «رونق بازار بهره‌کشی جنسی» و «فقر تشدید شونده خانوار» بوده است. همچنین روسپیان راهبردهایی همچون «انطباق فعال با وضع موجود» و «مقاومت مقطعی/ غیر پیوسته» را به کار می‌برند که منجر به پیامدهایی شامل: «تشدید آسیب‌پذیری در برابر عوامل مخاطره‌آمیز»، «قرارگیری مداوم در معرض خشونت» و «خانواده زدایی از زندگی روزمره» می‌شود.

واژه‌های کلیدی: روسپی‌گری، بازار روسپی‌گری، نظریه زمینه‌ای، مشتری، واسطه

طرح مسئله

روسپی و روسپی‌گری^۱ به صورت‌های متعدد تعریف شده است. این اصطلاح به مبادله خدمات جنسی زنان و مردان به‌منظور کسب درآمد اطلاق می‌شود. در واقع اصطلاح دقیق‌تر آن، تن‌فروشی است و شخص از این راه کسب درآمد می‌نماید. بر اساس تعریف اسکات و مارشال روسپی‌گری عبارت است از: جلب توجه جنسی به هدف کسب نوعی پاداش مالی که از سوی فرد روسپی صورت می‌گیرد (Scott & Marshall, ۲۰۰۷).

1. Prostitution

روسپی‌گری: تحمیل اجتماعی یا انتخاب شخصی ... ۱۴۵

2009). در یکی از منابع ایرانی، روسپی چنین تعریف شده است: «روسپی زنی است که از راه خودفروشی امرارمعاش کند و جز این پیشه ندارد و تحت نظامات خاصی به این پیشه و کار خود ادامه می‌دهد. «در تعریفی دیگر چنین آمده است: "روسپی" زن یا دختری است که برای پول و برای ارضای میل جنسی مرد به او تسلیم شود و در این کار نه از خود اختیار داشته باشد و نه از نظر جنسی حظی ببرد» (ستوده، ۱۳۷۹: ۱۶۸).

روسپی‌گری یا همان ارائه خدمات جنسی به دیگران در مقابل دریافت پول به‌عنوان یک مسئله اجتماعی پیچیده و چند سطحی مطرح است که گستره ابتلای به آن از سنین کودکی تا سالمندی را در برمی‌گیرد (Qayyum & others, 2013). در سطح ملی آمارها حکایت از افزایش آمار روسپی‌گری و انحرافات اخلاقی در بین زنان در چند دهه اخیر دارد. در یک بررسی که در سال ۸۹ صورت گرفته نشان می‌دهد تعداد زنان با جرائم اخلاقی از ۱۴ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۲۶ درصد از کل جرائم زنان رسیده است که همراه با جرائم مربوط به مواد مخدر بالاترین نوع جرم زنان به شمار می‌رود (جربانی، ۱۳۸۹). همچنین بر اساس آمار سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۹۵ قریب به ۲۲۰۰ زن روسپی به‌منظور بازپروری وارد مراکز این سازمان شده‌اند که حدود ۳۰ درصد آنها افرادی هستند که برای چندمین بار وارد این مراکز می‌شوند (بهزیستی کشور، ۱۳۹۶).

پدیده روسپی‌گری پیامدهای اجتماعی فراوانی از جمله افزایش تعداد بیماران مقاربتی و ایدزی، کم شدن آمار ازدواج و افزایش نرخ طلاق، تولد کودکان خیابانی و افزایش سقط جنین‌های غیرقانونی و غیره دارد. البته این سقط جنین‌ها می‌تواند مشکلات جسمی و نازایی برای زنان ایجاد کند. روسپی‌گری همچنین تعداد کودکان مجهول‌الوالد و فاقد شناسنامه را افزایش می‌دهد. این کودکان مشکلات روحی و روانی زیادی دارند و برای جامعه مسئله‌زا می‌باشند (Qayyum & others, 2013). روسپی‌گری به شکل قانونی آن نیز دارای آثار زیان‌بار اجتماعی است؛ بر اساس یک مطالعه که در ۱۵۰ کشور دنیا صورت گرفته است نشان می‌دهد بین وجود روسپی‌گری قانونی و افزایش قاچاق

انسان رابطه وجود دارد (Cho, 2013). این امر نشان‌دهنده پیچیدگی مسئله روسپی‌گری و دشواری مداخله در این حوزه می‌باشد.

در سطح جامعه مورد مطالعه یعنی شهر بجنورد وضعیت آسیب‌های اجتماعی زنان خصوصاً انحرافات جنسی و روسپی‌گری وضعیت نامطلوبی دارد. مطابق آمار بهزیستی کشور در سال ۱۳۹۶ خراسان شمالی که استان نسبتاً کوچک و کم‌جمعیتی است از نظر آمار در زمینه روسپی‌گری چهارمین استان کشور به حساب می‌آید (بهزیستی کشور، ۱۳۹۶). این امر را می‌توان با توجه به وضعیت نامناسب اقتصادی این استان تبیین نمود. چه این استان از نظر نرخ بیکاری یکی از بالاترین نرخ‌های بیکاری در کشور را داراست و از کم برخوردارترین استان‌های کشور به حساب می‌آید (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان شمالی، ۱۳۹۶). در واقع سیمای اجتماعی و اقتصادی استان نشان از فقر و بیکاری گسترده در استان دارد و این امر بروز آسیب‌های اجتماعی از جمله روسپی‌گری را در این استان تشدید می‌نماید. بنابراین مهم‌ترین مسئله مورد بررسی در این مقاله چگونگی برساخت پدیده روسپی‌گری در جامعه مورد مطالعه است؟ اینکه چه سازوکارهای اجتماعی و اقتصادی در بروز، رونق و تداوم این پدیده نقش دارند و افراد درگیر در این مسئله چه شرایط و موقعیت اجتماعی را دارا می‌باشند؟ بر این اساس پرسش‌های زیر قابل طرح است:

- شرایط زمینه‌ای بروز روسپی‌گری زنان کدام‌اند؟
- چه شرایط مداخله‌ای مؤثر بر تصمیم‌گیری و رفتار روسپیان زن وجود دارد؟
- چه عللی بر رفتار روسپیان در بازار روسپی‌گری زنان تأثیرگذار است؟
- راهبردهای روسپیان زن در شرایط مختلف چیست؟
- روسپی‌گری زنان چه پیامدهای اجتماعی - اقتصادی در پی خواهد داشت؟

پیشینه تجربی

فاتحی و همکاران (۱۳۸۹) به توصیف و تحلیل ویژگی‌های جامعه‌شناختی و

روسی‌گری: تحمیل اجتماعی یا انتخاب شخصی ... ۱۴۷

روان‌شناختی دختران و زنان روسپی در استان اصفهان پرداختند. مطابق با یافته‌های این پژوهش نابسامانی خانواده، فقر اقتصادی، اعتیاد، جامعه‌پذیری ناقص و ضعیف بودن پیوندهای اجتماعی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه‌شناختی و تنوع‌طلبی، هیجان‌طلبی، نداشتن تعادل عاطفی، رفتاری و ضعف هویت اخلاقی از مهم‌ترین ویژگی‌های روان‌شناختی دختران و زنان درگیر با مسئله روسپی‌گری است.

شکریگی و قزوینه (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای کیفی ضمن واکاوی تجارب و شرایط حاکم بر زندگی زنان روسپی در محله حکمت‌آباد کرمانشاه، چهار عامل اصلی و ابتدایی سوق داده شدن زنان به سمت روسپی‌گری را شناسایی کرده‌اند که عبارت از اجبار از سوی همسر برای تأمین مواد مخدر، جنبه تفریحی داشتن آن از جمله به تبع قمار، کسب درآمد بیشتر برای تأمین هزینه‌های زندگی و نهایتاً تعریف این موقعیت به‌عنوان یک شغل مشخص بوده است.

مسلمی بیدهندی، آقابخشی و اسماعیلی (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی کمی بر روی زنان زندانی به جرم روسپی‌گری به این نتیجه دست یافتند که شیوه تأمین عاطفی زنان از سوی مردان نقش مؤثری بر کشانده شدن زنان به سمت روسپی‌گری داشته است. بررسی صورت گرفته توسط ایزدی و ضرغامی (۱۳۹۳) در شهر شیراز نیز نشان داد که مجموعه‌ای از عوامل همچون شهرنشینی گسترده، تأخر فرهنگی ناشی از روزآمدی تکنولوژیک و عقب‌افتادگی سبک زندگی وابسته به آن، کاستی در نظارت اجتماعی، اختلالات خانوادگی و برخی ویژگی‌های فردی از جمله پارامترهای ظاهری، بر پرایش زنان به سمت روسپی‌گری مؤثر بوده است.

رنجبر و شرافتی پور (۱۳۹۵)، در پژوهش خود به بررسی رابطه شرایط خانوادگی و گرایش زنان به روسپی‌گری پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعه پیمایشی نشان می‌دهد که ازهم‌گسیختگی خانوادگی همچون منبعی برای اعمال فشار و برقراری روابط سرکوب‌گرایانه با زنان در محیط خانه عمل می‌کند که احتمال گریز آن‌ها به حاشیه جامعه و تن دادن به انحرافات همچون روسپی‌گری را افزایش می‌دهد. به‌علاوه نزول در

انواع سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده، نسبت مستقیمی با احتمال متمایل شدن زنان به سمت روسپی‌گری دارد.

وروایی، نیازخانی و کلاکی (۱۳۸۹) نیز با انجام پیمایشی در سطح شهر تهران به این نتیجه رسیدند که محور مشترک بخش زیادی از عوامل اثرگذار بر گرایش زنان به روسپی‌گری، امر اقتصادی است که به‌واسطه تحمیل مجموعه‌ای از ناملایمات و کاستی‌ها، نهایتاً زنان را در این مسیر قرار می‌دهد.

ربانی خوراسگانی و قانع عزآبادی (۱۳۹۴) در یک بررسی پدیدارشناسانه به واکاوی تجربه زیسته زنان روسپی در شهرهای یزد و اصفهان پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه مؤید درگیر شدن افرادی از قشرهای مختلف اقتصادی - اجتماعی با این پدیده بوده است که این واقعیت در کنار مجموعه درهم‌تنیده‌ای از گرایش‌های زیستی، روابط اجتماعی، باور داشت‌های مذهبی و همچنین داغ ننگ ناشی از دریافت عمومی در جامعه نسبت به پدیده موردبحث، سبک زندگی این زنان را تا حدود زیادی منحصربه‌فرد و پیچیده می‌سازد.

هوول^۱ (۲۰۰۳)، در پژوهشی با عنوان «الزامات اجتماعی - اقتصادی زنان روسپی در جنوب مکزیک» به بررسی وضعیت روسپی‌گری در یکی از مناطق کمتر توسعه‌یافته در جنوب مکزیک پرداخته است. در این منطقه به علت وضعیت نامطلوب اقتصادی، زنان مجبور به فعالیت در مشاغل سخت و اجباری با درآمدهای بسیار پایین از جمله فحشا و روسپی‌گری هستند. زنان روسپی به‌عنوان زنان بدکاره برچسب می‌خورند و از پایگاه اجتماعی بسیار پایینی برخوردار هستند اما به علت نیازهای اقتصادی و شرایط نامطلوب خانواده‌ها ناچار به روسپی‌گری هستند.

در پژوهش هاوالشوار^۲ و اومیش^۳ (۲۰۱۲) در یکی از شهرهای هندوستان، اکثر زنان روسپی رضایت شغلی نسبی داشتند. بدنامی اجتماعی حاصله از روسپی‌گری و

1. Howell
2. Dhavaleshwar
3. Umesh

تحصیلات فرزندان‌شان موضوعاتی بودند که برای مصاحبه‌شوندگان از اهمیت برخوردار بود. یافته‌ها نشان می‌داد که روسپیان عموماً متأهل‌اند و به‌منظور تأمین هزینه مالی خانواده‌های‌شان اقدام به روسپی‌گری نموده‌اند. حتی در اکثر اوقات شوهرانشان نیز از این موضوع اطلاع دارند. بنابراین روسپیان از حمایت خانواده برخوردارند و روسپی‌گری را شغلی برای کسب درآمد و رشد اقتصادی خانواده خویش تلقی می‌کنند. اکثر پاسخ‌دهندگان به دلیل تأمین امنیت، فعالیت‌شان را در منزل شخصی خویش تجربه می‌کردند. دیگر این‌که نیمی از پاسخ‌دهندگان مشاغل دیگری نیز داشتند و جالب‌تر آن‌که برخی از آنان کارکنان دولتی بودند که به دلیل نارضایتی از حقوق خود دست به روسپی‌گری می‌زدند.

سالمان^۱ (۲۰۱۰)، در ارتباط با تجارب زنان از روسپی‌گری و اعتیاد، روش پدیدارشناسی تفسیری را به کار برد. سالمان در این مقاله، تجربه زنان در مورد زندگی کردن با بدن‌امی و عواقب آن را ارائه می‌کند. شرکت‌کنندگان بر این باور بودند که در بین اعضای خانواده، دوستان، مراجعان و نظام قضایی کیفی بی‌آبرو شدند و در ادامه، حتی بعد از ایجاد تغییرات رفتاری، به‌عنوان فاسد (لکه‌دار) زبانزد می‌شدند. از این گذشته، به‌رغم چنین تجربه‌های منفی، آن‌ها ماجراهایی را از مقاومت کردن در برابر بدن‌امی که به‌سوی آن‌ها معطوف بود، بیان می‌کردند.

بیلی لانگ^۲ (۲۰۱۲)، در مقاله‌ای با عنوان «آزادی زنان برای اشتغال در فعالیت‌های جنسی: بیست‌وسه دلیل برای قانونی شدن روسپی‌گری در آمریکا» با نگاهی متفاوت نسبت به بسیاری از محققان دیگر معتقد است که روسپی‌گری مزایای زیاد اجتماعی، اقتصادی برای زنان روسپی و جامعه دارد. وی ضمن تفکیک روسپی‌گری خیابانی - و بیان مضرات آن برای فرد و جامعه - به روسپی‌گری خصوصی که در یک محیط امن و کنترل شده و تحت نظارت صورت می‌گیرد تأکید دارد. به‌زعم وی این نوع روسپی‌گری

1. Sallmann
2. Billy Long

نشان‌دهنده یک تکامل طبیعی است که باعث توانمندسازی زنان، افزایش امنیت در مشاغل و فعالیت‌های جنسی و حرفه‌ای کردن صنعت جنسی و نهایتاً کاهش ظلم و ستم علیه زنان می‌شود که مورد تأکید پارادایم فمینیستی نیز هست.

شهید قیوم^۱ و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهش خود به بررسی علل گرایش زنان به روسپی‌گری در ایالت پنجاب پاکستان پرداخته‌اند. این محققان ضمن بررسی وضعیت روسپی‌گری در این منطقه، عوامل گرایش زنان را به دو دسته عوامل ارادی و عوامل غیرارادی تقسیم می‌کنند. عوامل ارادی، فقر، شرایط نامناسب اقتصادی، بدهی در خانواده، بیماری اعضاء خانواده، روابط با دوستان ناباب، اعتیاد شوهر، اختلافات خانوادگی و رابطه برای لذت را در برمی‌گیرد و عوامل غیرارادی نیز شامل ازدواج‌های زودرس، قاچاق انسان، تجاوز جنسی، فریبکاری در روابط عاشقانه و فریب توسط خانواده است. روسپی‌گری دارای پیامدهای فردی و اجتماعی زیادی از جمله بارداری ناخواسته، فرزندزایی ناخواسته، سقط‌جنین، بیماری‌های مقاربتی مانند: ایدز، اعتیاد به مواد مخدر، تجاوز جنسی، خشونت جنسی، بیماری‌های رَحمی و خشونت جسمی و کاهش سلامت روانی افراد روسپی بوده است.

چرچ^۲ (۲۰۰۳)، در پژوهشی به دنبال بررسی سازمان اجتماعی- اقتصادی مقاربت‌های جنسی در سه نقطه مکانی خیابان، سوناها و آپارتمان‌های شخصی در بریتانیا با تمرکز ویژه بر مفاهیم سلامت و امنیت زنان روسپی بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد زنان روسپی از اوضاع اجتماعی نامساعدی رنج می‌برند که عامل روی آوردن آن‌ها به روسپی‌گری بوده است. تقریباً نیمی از آنان اولین درآمد حاصل از روسپی‌گری‌شان را قبل از سن هجده‌سالگی کسب کرده بودند. روسپی‌ها از بهداشت جنسی و مقاربتی کمتری نسبت به غیرروسپی‌ها برخوردار بودند. درصد بالایی از خشونت نسبت به روسپیان مشاهده می‌شد که عمدتاً از سوی مشتریان و همچنین از

1. Shahid Qayyum
2. Church

سوی دلالات و دیگر زنان بود. با توجه به محل کار روسپیان، احتمال بروز خشونت در مکان‌های متعلق به مشتری یا واسطه بیشتر از آپارتمان‌های شخصی بود.

فیسک^۱ (۲۰۱۳)، در تحقیق خود باهدف آشنایی با چالش‌های مادران روسپی و نیازهای فرزندان آنان با ۱۷ زن از ایالات متحده و ۱۱ زن از هند مصاحبه نمود. بر طبق یافته‌های پژوهش، این نگرش که جامعه، روسپیان را به چشم مجرم می‌بیند نه مادر، اغلب منجر به تبعیض و محرومیت این طیف از زنان جامعه شده است. تبعیض و محرومیت این قشر از زنان، وظیفه نگهداری کودکانشان را با مشکل مواجه کرده است. نتیجه بررسی‌ها نشان داد که زنان روسپی برای نگهداری فرزندانشان نیاز به حمایت دارند. زنان روسپی در این بررسی به تأثیرات منفی بازداشت و جدایی از فرزندانشان اشاره داشتند. یافته‌ها حاکی از آن بود که سیاست متداول دستگیری زنان روسپی و نگهداری کودکان آنان از سوی دولت هیچ کمکی به زنان و فرزندان و کاهش روسپی‌گری نمی‌کند.

درمجموع پیشینه‌های موردبررسی از این جهت که بر وجه مسئله‌ای روسپی‌گری در جوامع و قلمروهای اجتماعی مختلف تأکید داشته‌اند و همچنین به دلیل تمرکز بر زنان به‌عنوان قربانیان اصلی پیامدهای منفی روسپی‌گری، دارای اشتراک رویکرد با یکدیگر و با پژوهش حاضر هستند. اما نکته قابل‌تأمل این‌که اغلب این مطالعات صرفاً از زاویه دیدی معین و آن هم از منظر زنان روسپی به تحلیل مسئله پرداخته‌اند، حال این‌که روسپی‌گری حداقل برخوردار از سه رکن عرضه، تقاضا و تنظیم رابطه بین این دو است. بدین جهت در مطالعه حاضر تلاش می‌شود تا با وارد ساختن دو زاویه دید دیگر و تحلیل هم‌زمان داده‌های حاصل به دریافتی عمیق‌تر و جامع‌تر از مسئله روسپی‌گری در قلمرو اجتماعی مورد نظر دست‌یافت.

چارچوب مفهومی

با توجه به تفاوت‌های پارادایمی میان روش‌شناسی‌های کمی و کیفی، استفاده از نظریه در روش‌شناسی کیفی به‌منظور نقش‌آلهم‌بخش و مکمل آن در فرایند پژوهش و تحلیل داده‌ها و برای ایجاد حساسیت نظری- مفهومی جهت کمک به گشایش ذهن محقق نسبت به مسائل و مقوله‌های موردپژوهش صورت می‌گیرد. درعین‌حال همه روش‌های تحقیق کیفی از نظریه‌ها یا چارچوب مفهومی به‌طور یکسان استفاده نمی‌کنند. در روش نظریه زمینه‌ای از نظریه‌ها به‌عنوان ادبیات فنی استفاده می‌شود و محققان نسبت به کاربرد نظریه‌ها مختارند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۳۳-۲۳۴). در این بخش جهت تنقیح ابعاد مفهومی مسئله مورد پژوهش، نظریه‌های مربوط به روسپی‌گری به‌صورت اجمالی مرور می‌شود.

مبتنی بر نظریه آنومی، برخی از افراد جامعه به‌منظور غلبه بر فقر و نیز موفقیت در زندگی بدون انجام فعالیت‌های سخت و خلاقیت در زندگی، از هنجارهای اجتماعی منحرف می‌شوند. روسپی‌گری مردم را به‌منظور دستیابی به مزایای مالی مجبور به تن‌فروشی می‌کند. روسپی‌گری به‌عنوان یک آسیب اجتماعی، یک روش جایگزین کار سخت جهت تأمین معاش خود است. عطش دستیابی به موفقیت‌های اجتماعی و بالا رفتن از نردبان اجتماعی ممکن است برخی افراد را به‌اجبار در جهت جستجوی چنین روش‌هایی قرار دهد. تلاش برای غلبه بر فقر و موفقیت اجتماعی و عدم توانایی انجام فعالیت‌های مشکل اجتماعی توسط برخی افراد می‌تواند روش ساده‌تر و ارزان‌تر دیگری مانند روسپی‌گری را جایگزین کند. این دیدگاه به این امر منجر می‌شود که برخی افراد در قبال دریافت خدمات مالی، تن‌فروشی می‌کنند. در واقع بر اساس دیدگاه آنومی مرتون، افراد به‌منظور دستیابی به اهداف اجتماعی مطلوب، از هنجارها و ابزار مقبول اجتماعی منحرف می‌شوند (ستوده، ۱۳۸۹: ۱۸۲-۱۸۱ و تنهایی، ۱۳۷۴: ۲۱۰-۲۰۸).

از منظر نظریه یادگیری اجتماعی بروز جرم بستگی به (۱) محیط اولیه و تربیت شخص، (۲) وضعیت اجتماعی- اقتصادی فرد (۳) شرایط موجود زندگی شخص، (۴) بحران‌ها و اتفاقات زندگی فرد، (۵) عوامل شخصی و (۶) عوامل موقعیتی دارد

روسپی‌گری: تحمیل اجتماعی یا انتخاب شخصی ... ۱۵۳

(علوی، ۱۳۸۹: ۷). طبق دیدگاه یادگیری اجتماعی، افراد روسپی به دلیل ارتباط‌های زیاد با افراد کجرو به سمت این‌گونه انحرافات کشیده شده‌اند. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، روسپی‌گری یک رفتار اجتماعی آموختنی است. مثلاً اگر یک کودک در حال رشد در محیطی قرار بگیرد که افراد در آن مشغول روسپی‌گری هستند در بزرگسالی وی تمایل به روسپی‌گری پیدا خواهد کرد. در دیدگاه یادگیری اجتماعی، نقش تقلید در یادگیری بسیار مهم است. ناچی^۱ (۲۰۰۷) معتقد است کودکان در حال رشد، هر آنچه را که بزرگ‌ترها انجام می‌دهند، کپی‌برداری کرده و از رفتار آنها تقلید می‌کنند. بر اساس این دیدگاه کودکان در طی دوران اجتماعی شدن اگر در محیطی قرار بگیرند که روسپی‌گری انجام می‌شود، این نوع فعالیت را طبیعی قلمداد می‌کنند و آن را به‌عنوان شیوه‌ای از زندگی اجتماعی می‌دانند.

تئوری کارکردگرایی تأکید می‌کند که روسپی‌گری به‌عنوان یک «سوپاپ اطمینان» به حفظ و پایداری ازدواج کمک می‌کند. مثلاً در عصر ویکتوریا در بریتانیا که در خصوص فعالیت‌های جنسی خیلی سخت‌گیری می‌شد، روسپی‌گری رونق پیدا کرد. این راهی است برای مردان تا بتوانند در شرایطی که همسرشان باردار بوده و یا مشغول مراقبت و پرستاری از کودکان است، نیازهای جنسی خود را برآورده سازند. بنابراین روسپی‌گری از طریق ارضاء نیاز جنس مرد در شرایطی که کمتر می‌تواند با همسرش رابطه داشته باشد کارکرد مثبت نهاد خانواده را دارد. از دیدگاه کارکردگرایان روسپی‌گری استغنا‌ی جنسی افرادی را که قادر یا حاضر به همسرگزینی نیستند فراهم می‌کند. همچنین روسپی‌گری استغنا‌ی جنسی موقت افرادی مانند: جهانگردان، ملوانان و دیگر کسانی که دور از خانواده بسر می‌برند، را تأمین می‌کند. درنهایت این‌که روسپی‌گری برای کسانی که حاضر یا قادر نیستند نیازهای جنسی خود را از طریق مشروع دنبال کنند، شرایط نسبتاً مناسبی محسوب می‌شود (ستوده، ۱۳۸۹: ۱۸۲-۱۸۱).

بر مبنای نظریه برچسب‌زنی، هنگامی که به فرد برچسبی در اجتماع زده می‌شود، بر هویت و شخصیت وی تأثیر گذارده و فرد باور می‌کند که دارای ویژگی‌های برچسب زده است و مجرم بودن، بخشی از باور و خودپنداره فرد می‌شود و در نتیجه فرد رفته‌رفته رفتارهایش تحت تأثیر این برآورد ناشی از برچسب مجرمانه می‌شود (ترابی، ۱۳۹۰:۱۱۱). نظریه برچسب می‌گوید که رفتار انحرافی به میزان احترام مردم به آن رفتار (نقش قانون) بستگی دارد. اگر به رفتار یا نقشی احترام زیاد گذارده می‌شود خلاف " کجروی" خوانده می‌شود و فرد خاطی جریمه یا مجازات می‌گردد. از دیدگاه جامعه شناسان نیز قانون‌شکنی "کجروی" خوانده نمی‌شود مگر اینکه افراد به آن احترام گذاشته و به آن توجه نمایند و تخلف از آن مجازات و اصلاح رفتار را در پی داشته باشد (ستوده، ۱۳۸۹:۱۵۰). بر اساس دیدگاه ایگبو^۱ و انیوگوم^۲ (۲۰۰۲) هنگامی که یکبار فردی برچسب روسپی می‌خورد بعد از آن به‌عنوان یک روسپی رفتار خواهد کرد. در نتیجه فردی که برچسب روسپی خورده تمایل نزدیکی و مشارکت با افرادی دارد که مانند او برچسب خورده‌اند. برچسب‌زنی به روی نگرش و انتظارات افراد تأثیر دارد. این فرایند شامل خود اجرایی فعالیت توسط افراد برچسب خورده بر اساس انتظارات دیگران است.

به نظر می‌رسد بیشتر نظریات جامعه‌شناختی که به کار تحلیل پدیده روسپی‌گری می‌آیند نسبت به آن موضعی حاشیه‌ای و عارضه‌ای دارند. به‌عبارت‌دیگر روسپی‌گری چه به‌عنوان یک انحراف اجتماعی، چه به‌عنوان سازوکاری برای پیش‌گیری از اختلال در عملکرد نهادهایی همچون خانواده و چه به‌عنوان یک استراتژی فردی برای حل مسائل دیگر از جمله کاستی در منابع معیشتی، اغلب یک مسئله اصیل و دارای شأنیت مستقل نسبت به سایر مسائل اجتماعی در نظر گرفته نمی‌شود، حال آنکه در زاویه دیدی متفاوت و از منظر تجربه زیسته روسپیان می‌توان روایت متفاوتی را شاهد بود. از این رو

-
1. Igbo
 2. Anugwom

در مطالعه حاضر تلاش اصلی معطوف به نزدیک شدن به چنین چشم‌اندازی از پدیده مورد نظر خواهد بود.

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه از لحاظ هدف پژوهش، اکتشافی، از لحاظ فرایند اجرای پژوهش، کیفی و مبتنی بر پارادایم تفسیری، از لحاظ نتایج پژوهش کاربردی و به لحاظ معیار زمان، مطالعه مقطعی (۱۳۹۶-۱۳۹۷) می‌باشد. بر اساس رویکرد تفسیری، هدف پژوهش علمی درک و فهم معنای رفتارها یا کنش‌های متقابل افراد است که در سطوح بالاتر کنش، تبدیل به یک سری ساختارها و واقعیت عینی کلان‌تر می‌شوند (محمد پور و ایمان، ۱۳۸۷). پارادایم تفسیری وقتی مناسب است که محقق بخواهد رفتار انسان، انگیزه‌ها، معنای ذهنی و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن را مطالعه کند (Ritchie & others, 2013). در میان روش‌ها و راهبردهای پارادایم تفسیری روش نظریه زمینه‌ای یکی از پرکاربردترین روش‌ها است که هدف آن تولید تئوری است؛ تئوری‌ای که بر اساس گردآوری و تحلیل نظام‌مند داده‌ها بنیان نهاده شده است (بی، ۱۳۸۱: ۵۸۷ و Egan, 2002). در گراند تئوری، مفاهیم از داده‌های تجربی به دست آمده و به هم ربط داده شده و با داده‌های دیگر جهت اصلاح مورد مقایسه‌های دائم قرار می‌گیرند. این امر کمک می‌کند که ما فراتر از توصیف ضعیف پدیده‌ها حرکت کنیم (عباس زاده و حسین پور، ۱۳۹۰: ۱۵۰-۱۴۹).

نمونه مورد مطالعه تحقیق تعداد سیزده نفر (جدول شماره ۱) از افراد درگیر در زمینه روسی‌گری شامل: یازده زن روسپی، سه نفر واسطه و دو نفر مشتری است که از این میان روسپیان و واسطه‌ها از مراجعان بهزیستی شهرستان بجنورد بوده‌اند و مشتریان نیز با کمک واسطه‌ها و روسپیان شناسایی و با آن‌ها ارتباط برقرار گردید. شیوه نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری هدفمند است. بر این اساس در جلسات جداگانه به مدت

۱۵۰۰ دقیقه با روسپیان و واسطه‌های پذیرش شده در مرکز بازپروری بهزیستی شهرستان بجنورد و مشتریان آن‌ها مصاحبه‌های عمیق صورت گرفته و اسناد و پرونده‌های مربوط به هرکدام مورد مطالعه قرار گرفته است تا اشباع نظری حاصل شود. برای تحلیل داده‌ها، متن مصاحبه‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل مقایسه‌ای مداوم گلنزر و اشتراوس و از طریق رمزگذاری مقوله‌بندی در سه مرحله باز، محوری و گزینشی کدگذاری شد و تفسیر الگوها و روابط انجام گرفت که حاصل آن دستیابی به مفاهیم اولیه، مقوله‌های فرعی و عمده و در نهایت مقوله هسته بوده است.

جدول ۱- توزیع مشارکت‌کنندگان بر اساس نوع مشارکت

نام	سن	وضعیت تأهل	تحصیلات	نوع مشارکت
مصاحبه‌شونده اول	۲۲	مطلقه	سیکل	عرضه‌کننده
مصاحبه‌شونده دوم	۲۵	متارکه	بی‌سواد	عرضه‌کننده
مصاحبه‌شونده سوم	۲۳	مطلقه	ابتدایی	عرضه‌کننده
مصاحبه‌شونده چهارم	۱۹	مجرد	سیکل	عرضه‌کننده
مصاحبه‌شونده پنجم	۳۷	مطلقه	سیکل	دلال
مصاحبه‌شونده ششم	۲۵	مجرد	راهنمایی	عرضه‌کننده
مصاحبه‌شونده هفتم	۳۵	مطلقه	ابتدایی	عرضه‌کننده
مصاحبه‌شونده هشتم	۲۳	مجرد	دیپلم	عرضه‌کننده
مصاحبه‌شونده نهم	۲۳	مطلقه	دانشجوی انصرافی	عرضه‌کننده
مصاحبه‌شونده دهم	۲۷	مجرد	راهنمایی	عرضه‌کننده
مصاحبه‌شونده یازدهم	۲۸	متاهل	بی‌سواد	عرضه‌کننده
مصاحبه‌شونده دوازدهم	۵۰	متاهل	ابتدایی	متقاضی
مصاحبه‌شونده سیزدهم	۲۷	متاهل	راهنمایی	دلال
مصاحبه‌شونده چهاردهم	۳۶	متاهل	لیسانس	متقاضی
مصاحبه‌شونده پانزدهم	۲۷	متاهل	ابتدایی	دلال
مصاحبه‌شونده شانزدهم	۲۵	مطلقه	ابتدایی	عرضه‌کننده

۱. عرضه‌کننده: روسپی ۲. متقاضی: مشتری ۳. دلال: واسطه

به منظور بررسی روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی معیارهای متنوع و متعددی پیشنهاد شده است که عموماً مبتنی بر تنوع بخشی به منابع داده‌ای، مسیرهای ادراکی و الگوهای تفسیری و به تبع آن، کنترل انطباق مقبول و مطلوب میان دریافت‌های حاصل پیرامون پدیده مورد نظر از جهات نظری و تجربی مختلف است (Flick, 2018). در این بین تاییدپذیری و تکرارپذیری دو مورد از مهم‌ترین تکنیک‌های رایج جهت بررسی اعتباری در مطالعات کیفی است (Golafshani, 2003). در این پژوهش برای واریسی تاییدپذیری نتایج به دست آمده، مضمون‌های استخراج شده و تفسیرهای مربوط به هر یک از آن‌ها، به برخی از پاسخگویان در هر سه گروه مشتری، واسطه و عرضه‌کننده، ارائه و همخوانی نسبی دریافت آن‌ها با موارد تدوین شده در گزارش تحقیق، کنترل شد. به جهت اطمینان یافتن از تکرارپذیری نتایج نیز، در چند مرحله از فرایند تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، کدگذاری‌های مستقلی توسط محققان انجام و نتیجه حاصل با هم مقایسه شد که در مجموع بیانگر اشتراک نسبی در الگوهای بازنمایی معانی و تفسیر متون بوده است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در هشتاد مفهوم، و یک مقوله عمده و یک مقوله هسته کدبندی شده‌اند تا بر مبنای آن برساخت روسپی‌گری فقرا از منظر عاملان اجتماعی ذینفع بازنمایی معنایی شود.

ماهیت مقوله اصلی	مقوله‌های اصلی	برخی از مقوله‌های فرعی
علی	بی‌پناهی اجتماعی	ارائه ناقص حمایت‌های اجتماعی روابط اجتماعی سست
	رونق بهره‌کشی جنسی	رونق بازار روسپی‌گری پاتوق‌های سهل‌الوصول
	فقر تشدید شونده خانوار	نداشتن سرپناه ناتوانی در تأمین هزینه‌های مواد مخدر فقر مفرط
	زمینه‌ای	نقصان در قوانین مرتبط با زنان و خانواده بی‌ثباتی در شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه
مداخله‌ای	اعتیاد و تسریع در گرایش به روسپی‌گری	اعتیاد شدید اعضای خانواده اعتیاد شدید روسپی
	ازدواج نادرست	ازدواج تحمیلی پیشرسی ازدواج شکاف سنتی فریب در ازدواج
	خانواده متزلزل	خانواده نابسامان ضعف حمایت خانوادگی اختلافات خانوادگی بد سرپرستی
	سوابق تحصیلی	تحصیلات پایین
	محدودیت‌ها و محرومیت‌های ناشی از - فرهنگ سنتی	ترس از بی‌آبرویی احساس بی‌آبرویی

ماهیت مقوله اصلی	مقوله‌های اصلی	برخی از مقوله‌های فرعی
	خشونت خانگی	کودک‌آزاری همسر آزاری زنای با محارم
	مهارت‌های اجتماعی ضعیف	روابط اجتماعی نادرست
راهبردی	انطباق فعال با وضع موجود	
	مقاومت مقطعی/غیر پیوسته	
	انفعال در برابر عوامل بهره‌کشی	
پیامدی	تشدید آسیب‌پذیری در عوامل مخاطره‌آمیز	تضعیف سلامت روانی اقدام به خودکشی
	قرارگیری مدام در معرض خشونت	گسترش خشونت جنسی، جسمی و روانی
	خانواده زدایی از زندگی روزمره	تشکیل خانواده ناپایدار

پدیده مرکزی: روسپی‌گری، برون داد درگیری در چرخه فقر، بی‌پناهی و بهره‌کشی زنان روسپی که به علت فقر و مشکلات اجتماعی همراه با آن درگیر در روسپی‌گری شده‌اند مورد بهره‌کشی جنسی قرار می‌گیرند و شرایط اجتماعی به‌مراتب بدتری پیدا می‌کنند. در واقع این زنان که به علت شرایط بد اقتصادی و به‌منظور تأمین نیازهای مالی مجبور به خودفروشی شده‌اند، پس از ورود به این حوزه نه‌تنها مشکلات آن‌ها مرتفع نشده بلکه در شرایط اقتصادی و اجتماعی نامساعدتری قرار گرفته‌اند. زنان روسپی فقیر، بدون حمایت اجتماعی و به دلیل عدم استقلال اقتصادی و اجتماعی توسط واسطه‌ها و مشتریان مورد بهره‌کشی جنسی قرار می‌گیرند. وفور عرضه و فراوانی زنان روسپی شرایط را برای بهره‌کشی فراهم می‌کند و در بازار روسپی‌گری، مشتریان (تقاضا) و واسطه‌ها (دلالان)، دست بالا را دارند. این امر باعث می‌شود که روسپیان

شرایط دلخواه مشتریان و واسطه‌ها را تأمین کنند و با حداقل دریافتی خدمات جنسی ارائه دهند. در چنین بازاری وضعیت زنان روسپی رو به وخامت خواهد گذاشت و امکان‌رهایی آن‌ها از این چرخه ممکن نخواهد شد.

مصاحبه‌شونده دوم که در مرکز بازپروری بهزیستی پذیرش شده بود به‌منظور بهبود وضعیت اجتماعی و خانوادگی تصمیم به ازدواج می‌گیرد ولی این ازدواج بیشتر نوعی بهره‌کشی جنسی بوده تا یک ازدواج موفق. او در این زمینه می‌گوید:

«سال ۱۳۹۳ با یک مرد متأهل و سن بالا ازدواج کردم. البته صیغه بودم چون زن داشت می‌گفت زنم را طلاق بدهم حتماً تو را عقد رسمی خواهم کرد. هرچقدر من اصرار می‌کردم او یک بهانه می‌آورد. وقتی دیدم دارد وقت تلف می‌کند و از من سوءاستفاده می‌کند صیغه نامه را بعد از یک سال پاره کردم».

مصاحبه‌شونده سوم که در حال حاضر با دوست‌پسرش زندگی می‌کند می‌گوید:

«به خاطر دوست‌پسرم از همه چیز گذشتم، از خانواده و زندگی خودم گذشتم، هر چه می‌خواست انجام می‌دادم، اما او تکلیف مرا روشن نمی‌کند فقط دوست دارد کنارش باشم».

بنا بر اظهارنظر مددکار پرونده، دوست‌پسر مصاحبه‌شونده سوم او را وابسته خودش کرده است و به‌عنوان واسطه از وی سوءاستفاده و از این طریق کسب درآمد می‌کند.

به خاطر شرایط اقتصادی و اجتماعی این زنان و نیز نگاه منفی جامعه به این نوع افراد و امکان موفقیت در زندگی آینده تشکیل خانواده‌های موفق و پایدار امکان‌پذیر نیست و معمولاً ازدواج مجدد این افراد ناپایدار و توأم با خشونت و تحقیر از جانب اعضاء خانواده خصوصاً شوهرشان بوده و عمدتاً به جدایی ختم می‌شود. مصاحبه‌شونده اول که پس از ترخیص از بازپروری ازدواج نموده است و بعد از چند سال زندگی مشترک ناموفق، مراحل قانونی طلاق خود را طی می‌کند در این خصوص می‌گوید:

«من دیگر نمی‌خواهم با او زندگی کنم. دو بار از خانه فرار کردم. واقعاً زندگی به خاطر تحقیرها و کنک‌های شوهرم غیرقابل تحمل شده است. چون دستش چک دارم مجبورم پیش او بمانم. اگر بروم اولین کاری که می‌کند چک‌ها را به اجرا می‌گذارد و مرا به زندان می‌اندازد».

شرایط زندگی این افراد به‌گونه‌ای است که زندگی و آینده خودشان ناامید هستند و انگیزه‌ای برای زندگی ندارند. مصاحبه‌شونده یازدهم می‌گوید:

«واقعیتش فکر می‌کنم آدم خیلی بدبختی هستم. شوهرم این‌جور، خانواده‌ام معتاد و قاتل، من هم که این‌جور، بچه‌هام دوتا از من جدا و دو تا هم در بهزیستی هستند. مردم هم که اصلاً به آنها اعتمادی نیامده، همه دنبال سوءاستفاده و فقط به فکر خودشان و منفعتشان هستند، هیچی ندارم یک حیاط پدری هست که آن را هم برادرم به اسم خودش کرده و به من چیزی نرسیده است. چطور بگویم من مانده‌ام و خدای بالاسرم. واقعاً از خودم ناامید شده‌ام. تا کی باید این‌جور زندگی کنم».

شرایط علی

بی‌پناهی اجتماعی: بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از مشاهدات و مصاحبه‌های صورت گرفته اکثر افراد درگیر در روسپی‌گری از فقدان حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی لازم رنج می‌برند و به‌محض اینکه در روابط خانوادگی آنها خلل ایجاد می‌شود و مناسبات خانوادگی آنها به‌گونه‌ای رقم می‌خورد که امکان لازم جهت دریافت حمایت‌های ضروری از میان می‌رود، این افراد سریعاً به سمت روابط اجتماعی نامناسب و آسیب‌زا در بیرون از خانواده کشانده می‌شوند. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان برای اولین بار توسط اعضاء خانواده مورد خشونت جنسی قرار گرفته‌اند: مصاحبه‌شونده اول ۲۳ ساله می‌گوید:

«وقتی برادرم فهمید که من دوست پسر دارم و با او رابطه دارم، به من فشار آورده و گفت باید با تو رابطه داشته باشم. هرچقدر اصرار کردم که تو برادر من هستی و نباید این کار را بکنی، به حرف من گوش نداد و من به اجبار به این رابطه تن دادم.»

هنگامی که این افراد به بیرون از محیط خانوادگی جهت دریافت حمایت‌های روانی و اجتماعی سوق داده می‌شوند؛ شرایط اجتماعی جامعه به نحوی است که آن‌ها را در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی قرار می‌دهد. نداشتن مهارت‌های ارتباطی لازم باعث می‌شود تا این افراد به راحتی گرفتار اشخاصی شوند که برای ارضاء نیازهای جنسی خود به سمت آن‌ها گرایش پیدا می‌کنند. در اغلب موارد برنامه‌های حمایتی دولت و نهادهای غیردولتی نیز دارای نقصان بوده و نمی‌توانند پشتیبانی‌ها و اقدامات متناسب با بازتوانی این افراد را ارائه دهند. حتی در مورد امکانات در دسترس نیز اطلاع‌رسانی روشن و آگاهی بخشی مؤثری صورت نمی‌گیرد. هنگامی که از مصاحبه‌شونده پنجم ۲۷ ساله که شرایط اجتماعی خوبی نداشت در خصوص حمایت اجتماعی از طریق بهزیستی سؤال شد گفت:

«اطلاع نداشتم که بهزیستی در این زمینه کمک می‌کند بعدها متوجه شدم و یاد گرفتم.»

دستورالعمل‌ها، قوانین و سازوکارهای نامناسب نیز در عدم بازپروری زنان روسپی مؤثر بوده و به‌نوعی در گرایش مجدد این افراد به روسپی‌گری نقش آفرین است. اکثر افراد از محیط بسته و بدون تحرک بازپروری خسته می‌شوند و در آنجا با موردهای حرفه‌ای و واسطه‌ها ارتباط می‌گیرند و این ارتباط نامناسب آن‌ها را بعد از خروج از مرکز در معرض آسیب بیشتری قرار می‌دهد.

رونق بهره‌کشی جنسی: مسلماً یکی از جذاب‌ترین و پرتعدادترین بازارهای مالی در عرصه اجتماعی بازار روسپی‌گری است. باوجود غیرقانونی بودن فعالیت‌های مربوط به روسپی‌گری در جامعه، به علت وفور عرضه و تقاضا و جاذبه‌ای که این بازار

روسی‌گری: تحمیل اجتماعی یا انتخاب شخصی ... ۱۶۳

دارد، روزانه مبادلات زیادی در این حوزه صورت می‌گیرد. این روابط یا بدون واسطه و یا توسط دلالان این حوزه یعنی واسطه‌ها صورت می‌گیرد. مشتریان عمدتاً مردانی هستند که یا بنا به دلایل اقتصادی و اجتماعی مجرد مانده‌اند و برای ارضاء نیازهای جنسی خود وارد این بازار شده‌اند و یا این‌که متأهل هستند و از وضعیت زناشویی خود رضایت ندارند. در هر حال آنچه که از سخنان پاسخگویان نیز می‌توان استنباط کرد گرم بودن بازار غیررسمی عرضه خدمات روسپی‌گری است. مصاحبه‌شونده دوازدهم ۵۰ ساله در این باره می‌گوید:

«ارتباط جنسی شوخی‌بردار نیست. همسرم مرا مجبور می‌کند با زنان دیگر رابطه داشته باشم چون زمانی که تمایل دارم رو برمی‌گرداند و این کارها باعث اختلافات زیادی بین ما شده است.»

مشتریان عمدتاً جهت ارضاء نیازهای جنسی خود حاضر به پرداخت هر نوع هزینه‌ای هستند و از این موضوع رضایت کامل دارند. مصاحبه‌شونده چهاردهم به‌عنوان یک مشتری در این خصوص می‌گوید:

«برای من طرف مقابل مهم نیست برای طرف مقابل هم من مهم نیستم، فقط او می‌خواست پول بگیرد من هم می‌خواستم ارضاء شوم. برای ارضاء خودم حاضر بودم هر مبلغی را پرداخت کنم.»

واسطه‌ها نیز اغلب افرادی هستند که ابتدا خود به‌عنوان روسپی در این حوزه فعالیت داشته‌اند. و بعدها پس از کسب تجربه و شرایط لازم به‌عنوان واسطه فعالیت خود را ادامه داده‌اند. واسطه‌ها از طریق مدیریت این بازار توانسته‌اند درآمد بالا و نسبتاً راحتی به دست بیاورند. واسطه‌ها روسپیان را بر اساس سن و زیبایی دسته‌بندی، قیمت‌گذاری و به مشتریان معرفی می‌کنند. مشتریان نیز بر اساس مکنت مالی خود گزینه مناسب را انتخاب می‌کنند. یکی از پارامترهای تعیین‌کننده در زمینه قیمت در بازار مذکور مربوط به نحوه تأمین مکان است. گاهی منزل روسپی یا منزل مشتری یا پاتوق‌های خاص که توسط افراد دیگر مدیریت می‌شود و در قبال آن هزینه‌ای از

مشتری دریافت می‌گردد، به‌عنوان مکان مبادله خدمات جنسی استفاده می‌شود. ولی در بسیاری از موارد واسطه منزل خود را به‌عنوان مکان برقراری ارتباط پیشنهاد می‌دهد تا از این جهت نیز منفعت مضاعفی را حاصل کند. مصاحبه‌شونده سیزدهم که قبلاً روسپی بوده و الآن به‌عنوان یک واسطه فعالیت دارد در مورد گذشته می‌گوید

«قبلاً نزد یک واسطه به نام ... می‌رفتم، او از هر مشتری ۳۰، ۴۰، ۵۰ تومان می‌گرفت و بیشتر آن را خودش برمی‌داشت. او، هم دختر و هم مکان را برای مشتری جور می‌کرد. اگر مشتری از قیافه روسپی خوشش نمی‌آمد خودش با او سکس می‌کرد و پول می‌گرفت.»

فقر تشدید شونده خانوار: فقر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین علل بروز پدیده روسپی‌گری در سطح جامعه است. بالا بودن هزینه‌های معیشت، بیکاری و نداشتن شغل مناسب بسیاری از زنان و دختران را به سمت روسپی‌گری سوق می‌دهد. عمده این افراد که از حمایت اجتماعی لازم بی‌بهره هستند و استقلال و توانمندی لازم را ندارند به‌ناچار در ورطه بهره‌کشی جنسی و تن‌فروشی قرار می‌گیرند. بسیاری از این زنان که شرایط خانوادگی نابسامانی دارند که با ناتوانی سرپرست خانوار در تأمین هزینه‌های زندگی همراه است. این ناتوانی به‌ویژه زمانی که ناشی از ابتلای همه یا برخی از اعضای خانواده به سوء‌مصرف مواد مخدر باشد، کشیده شدن زنان جوان به سمت بهره‌کشی جنسی را محتمل می‌سازد. نکته تأمل‌برانگیز دیگر آن‌که بیشتر این روسپیان نیز خود یا پیش از درافتادن به ورطه روسپی‌گری معتاد بوده و یا به‌عنوان بخشی از فرایند استثمارشان از سوی واسطه‌ها به سمت سوء‌مصرف مواد نیز کشیده شده‌اند. در نتیجه جهت تأمین مواد مخدر و جبران هزینه‌های آن دست به دامان واسطه‌ها و مشتریان می‌شوند. مصاحبه‌شونده پنجم ۲۷ ساله در جواب اینکه چرا خودتان و دیگری که می‌شناسید روسپی‌گری می‌کنند می‌گوید:

«بیشتر کسانی که به این کار رو می‌آورند از روی میل و خواسته خودشان نیست. همه آن‌ها افراد بی‌جا و مکانی هستند که به خاطر

نداشتن جای خواب و سرپناه دست به تن‌فروشی می‌زنند و یا معتاد هستند و برای مصرف احتیاج به مکان دارند و یا برای تهیه مواد به مکان‌های خاصی می‌روند و مجبور به خودفروشی می‌شوند».

شرایط زمینه‌ای

نقصان در قوانین مرتبط با خانواده و زنان: یکی از بسترهای نامساعد اجتماعی که زنان را به سمت آسیب‌های اجتماعی سوق می‌دهد نقصان در قوانین مرتبط با خانواده است. شرایط اجتماعی پدر سالارانه وضع قوانین به نفع مردان را باعث شده است تا مردان در زمینه اجتماعی و خانوادگی قدرت مانور بیشتری داشته باشند و زنان از قدرت چانه‌زنی کمتری برخوردار شوند. عدم برخورداری زنان از حق طلاق زنان را در معرض خشونت و بروز انواع آسیب‌های اجتماعی - روانی در درون یک خانواده نابسامان قرار می‌دهد. در این شرایط خانوادگی که زنان در معرض خشونت قرار دارند و دستشان از قانون کوتاه است جهت نجات خودشان از این شرایط بحرانی به رفتارهای آسیب‌زایی چون فرار از منزل، روابط نامشروع، اعتیاد، خودکشی و... اقدام می‌کنند. در چنین شرایطی حتی بسیاری از قوانین موجود که به نفع زنان مصوب شده است در عمل از کارایی چندانی برخوردار نیستند؛ مشاهدات در سطح جامعه و برخی داده‌های موجود بیکاری بالای زنان، فقر، نداشتن مهارت‌های فنی، سواد پایین، فعالیت در محیط‌های کاری نامناسب و پرخطر اجتماعی با درآمدهای پایین را تأیید می‌کنند (جعفری، ۱۳۹۴ و یوسفی و دیگران، ۱۳۹۴). نگاه سنتی و مردسالارانه به حوزه اشتغال نیز موجب شده است تا بسیاری از قوانین استخدامی به نفع مردان به تصویب برسد که این امر خود باعث خانه‌نشینی شدن زنان و کاهش سطح توانمندی روانی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها شده است.

بی‌ثباتی در شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه: در شرایط در حال گذار جامعه

ایران در چند دهه گذشته که تغییر و تحولات در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سرعت قابل‌توجهی داشته و به‌تبع آن جامعه از آرامش لازم برخوردار نبوده است، می‌توان شاهد نوعی تغییر جهت بنیادی در رویکردها و کنش‌های سطح خرد در جامعه نیز بود که مظاهر آن در تغییر نگرش افراد به زندگی و توجه بیشتر به ارضای نیازهای فردی، تغییرات گسترده در روابط اجتماعی و سست شدن این روابط، گسترش ازدواج‌های ناپایدار و مقطعی، کاهش اعتقادات مذهبی و... قابل‌پیگیری است. در بعد اقتصادی نوسانات شدید در بازار اقتصادی جامعه، بیکاری، تورم، بالا بودن هزینه‌های تهیه مسکن و معیشت فشار بسیار زیادی را به مردم تحمیل می‌کند که تحمل آن در مواردی چنان دشوار می‌نماید که افراد را به سمت گزینه‌های غیرموجه و مسئله‌زا سوق می‌دهد. در مجموع بر اساس آنچه در شرح‌حال مصاحبه‌شوندگان نیز نمود داشته است می‌توان گفت در شرایطی که ساختارهای اجتماعی اقتصادی جامعه ثبات لازم را ندارد افراد ضعیف و ناتوان در مواجهه با مشکلات احساس ناتوانی و بی‌پناهی کرده و خود را گرفتار در چرخه فقر و بی‌پناهی می‌بینند و این امر آن‌ها را به‌شدت آسیب‌پذیر می‌سازد.

شرایط مداخله‌ایی

محدودیت‌ها و محرومیت‌های ناشی از فرهنگ سنتی: یکی از بارزترین محدودیت‌های اجتماعی که با نگاه سنتی دامن‌گیر بسیاری از روسپیان مورد مطالعه شده است محرومیت از تحصیل است. خیلی از این زنان افراد بااستعدادی بودند که به دلیل محدودیت‌های ایجاد شده توسط خانواده از ادامه تحصیل بازمانده‌اند. مصاحبه‌شونده هشتم ۲۳ ساله می‌گوید:

«در دوران کودکی خیلی بااستعداد بودم. حافظ جزء سی قرآن بودم و همیشه شاگرد نمونه بودم. دیپلم گرفتم و در کنکور رتبه خیلی خوبی

آوردم اما به خاطر راه دور خانواده به من اجازه نداد که به دانشگاه بروم و ناچاراً با مدرک دیپلم و در یک دفتر پیشخوان مشغول به کار شدم».

یکی دیگر از مفاهیم کلیدی در این بخش مفهوم آبرو است. مفهوم آبرو به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی سنتی نقش بسیار مهمی در زندگی افراد بازی می‌کند. بسیاری از زنان و دختران به دلیل حفظ آبرو تن به ازدواج‌های تحمیلی داده‌اند، در مقابل تجاوز سکوت کرده‌اند و یا از طرف نزدیکان برچسب بی‌آبرویی خورده و از طرف خانواده طرد شده و گرفتار آسیب‌های بیشتر شده‌اند. مصاحبه‌شونده نهم می‌گوید:

«فردی که عاشقش بودم چند بار به خواستگاری من آمد اما خانواده من مخالف بودن ولی چون او را خیلی دوست داشتم تصمیم به فرار گرفتم. با هم فرار کردیم. اما پدر و مادرم ما را پیدا کردند و با من برخورد خیلی بدی داشتند. آبروریزی راه انداختند و من بعد از این اتفاق احساس کردم دیگر زندگی برای من معنا ندارد و مهم نیست چه اتفاقی خواهد افتاد».

یکی دیگر از پاسخگویان که پس از روابط با یک پسر پرده بکارتش را از دست داده بود می‌گوید:

«هنگامی که این ماجرا لو رفت و من نیز پرده بکارتم را از دست داده بودم خیلی‌ها به من نگاه بد داشتند. یک روز پسر همسایه ما به خانه ما آمد و قصد تجاوز به من را داشت من که دیگر چیزی برای از دست دادن نداشتم مقاومت نکردم و با وی رابطه جنسی برقرار کردم».

بر اساس نظریه برچسب‌زنی این افراد به‌محض اینکه دچار خطا می‌شوند، از طرف خود اطرافیان داغ منحرف بودن می‌خورند و همین امر آن‌ها را در معرض انحرافات و آسیب‌های بیشتر قرار می‌دهد.

ازدواج نامناسب: ازدواج نامناسب یکی از مهم‌ترین عوامل مداخله‌گر در بروز آسیب‌های اجتماعی خصوصاً روسپی‌گری زنان است. اکثر افراد مشارکت‌کننده در این

پژوهش در شرایط اجتماعی و خانوادگی نابسامانی قرار داشته‌اند که منجر به ازدواج‌های ناموفق شده و این امر به نوبه خود در ایجاد مسائل اجتماعی مختلف برای این افراد مؤثر بوده است. پیش‌رسی ازدواج، ازدواج تحمیلی، شکاف سنی بین زوجین، ازدواج با افراد معتاد، ازدواج با افراد متأهل، ازدواج موقت (صیغه)، ازدواج با افراد منحرف و ناسالم، فریب در ازدواج و مواردی از این قبیل در بین زنان مورد مطالعه به دفعات مشاهده می‌گردد.

مصاحبه‌شونده هفتم که ازدواج ناموفقی داشته می‌گوید:

«شوهرم گاهی دوستانش را به خانه می‌آورد و خودش به بهانه‌هایی بیرون می‌رفت و می‌گفت که تا من برمی‌گردم به هر طریقی باید از دوستش پول در بیاورم. او راه خلاف را به من نشان داد و سرنوشت مرا به خاک سیاه کشاند». همچنین مصاحبه‌شونده سیزدهم در مورد ازدواجش می‌گوید: «۱۴ ساله بودم که پدرم مرا به عقد یک مرد ۴۵ ساله درآورد. او هم آدم خلاف‌کاری بود. من را هم معتاد کرد اول شیر و بعد سایر مواد مانند هروئین و شیشه مصرف کردم».

اعتیاد و تسریع گرایش به روسپی‌گری: یکی دیگر از عوامل بارز بسترساز برای ورود زنان به روسپی‌گری اعتیاد (اعم از ابتلا خود فرد و یا نزدیکانش) است. بسیاری از این زنان چه در خانه پدری و چه در خانه شوهرشان شاهد حضور افراد معتادی بوده‌اند که در اغلب موارد آنها را نیز به سمت اعتیاد سوق داده‌اند. مصاحبه‌شونده دهم به اعتیاد مادرش اشاره می‌کند و می‌گوید:

«مادرم معتاد است و عصبی و تندمزاج. با من رفتارهای سردی دارد و بارها اگر مواد گیرش نیاید مرا با این سن و سال کتک می‌زند. درآمد ما از طریق مستمری تأمین اجتماعی تأمین می‌شود که بیشتر این پول را مادرم برای تأمین مواد مخدر هزینه می‌کند».

مصاحبه‌شونده اول نیز یکی از مهم‌ترین مشکلات خانوادگی‌شان را اعتیاد می‌داند

و می‌گوید:

«تمام اعضای خانواده ما یعنی پدر، مادر، خواهر و برادرانم معتاد

هستند و برای تأمین موادشان دست به هر کاری می‌زنند».

بر اساس مشاهدات صورت گرفته بین مشارکت‌کنندگان بسیاری از مردان برای تأمین مواد مخدر، همسرشان را مجبور به تن‌فروشی می‌کنند یا آن‌ها را مجبور به کار در محیط‌های ناامن می‌کنند. همچنین بسیاری از زنان که خودشان معتاد هستند و از نظر مالی در فقر هستند برای تأمین مواد مخدر اقدام به تن‌فروشی می‌کنند. یکی از مسئولان بازپروری زنان بهزیستی بجنورد در این خصوص می‌گوید:

«اکثریت زنان پذیرش شده در بازپروری افرادی هستند که به خاطر

اعتیاد و تأمین مواد مخدر اقدام به روسپی‌گری کرده و معمولاً توسط

نیروی انتظامی در پاتوقها دستگیر و تحویل بهزیستی می‌شوند».

بنا بر تأکید واسطه‌های مشارکت‌کننده در پژوهش نیز روسپیان معتاد چون در شرایط سختی قرار دارند معمولاً با قیمت‌های پایین هم تن‌فروشی می‌کنند و حاضر به قبول هر نوع شرایطی هستند.

خشونت خانگی: انواع خشونت از قبیل همسرآزاری و کودک‌آزاری از عوامل

مؤثر بر بروز نابهنجاری‌های اجتماعی و روانی است و می‌تواند مهم‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده را به نابسامانی بکشاند و به محیطی ناامن و پراسترس تبدیل کند تا در نهایت زمینه جدایی، فرار و برقراری روابط اجتماعی نامشروع در بین افراد خشونت دیده فراهم شود. بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته با زنان روسپی، خشونت به طرق مختلف جسمی، جنسی، روانی، بی‌توجهی و غیره، از دوران کودکی تا دوران بزرگسالی در زندگی این افراد وجود داشته و نقش مؤثری بر گرایش آن‌ها به سمت روابط اجتماعی ناسالم داشته است. مصاحبه‌شونده یازدهم که از همسرش طلاق گرفته بود، می‌گوید:

«شوهرم اهل هیچ کاری نبود، بسیار بداخلاق بود و با من خیلی بدرفتاری می‌کرد، نه پولی، نه درآمدی، نه خانه‌ای، هیچی نداشتیم. اهل مشروب، مواد مخدر و روابط نامشروع بود. حتی با زن برادرش رابطه داشت.»

خشونت جنسی خصوصاً از طرف برادر به خواهر در بین روسپیان مشاهده می‌شود. مصاحبه‌شونده اول، مصاحبه‌شونده دوم و مصاحبه‌شونده یازدهم از مواردی بودند که از طرف برادرشان مورد تعرض جنسی قرار گرفته بودند و این امر را بسیار دردناک می‌دانستند.

همسر آزاری جسمی و روانی تقریباً در بین اکثریت روسپیان مشاهده می‌شود. بیشتر آن‌ها از آزار جسمی از طرف شوهرانشان شکایت داشتند و معتقد بودند که این نوع خشونت خانه را به محیطی ناامن و غیرقابل تحمل تبدیل کرده است و همه آن‌ها طلاق و جدایی و یا فرار از منزل را به این وضعیت ترجیح می‌دادند. مصاحبه‌شونده یازدهم نیز در مورد شرایط خانوادگی‌اش می‌گوید:

«در طول چهار سالی که با شوهرم زندگی می‌کردم شرایط روحی خوبی نداشتیم؛ آن قدر به من فشار می‌آمد که بعضی مواقع روبه‌قبله دراز می‌کشیدم و تا حد مرگ پیش می‌رفتم.»

مصاحبه‌شونده هفتم نیز در این خصوص می‌گوید:

«من دیوانه‌وار عاشق شوهرم بودم حتی وقتی خسته بود من لقمه در دهانش می‌گذاشتم. اما او محبت‌های مرا با کتک جواب می‌داد و می‌گفت وظیفه توست که پول دریاوری حتی مرا مجبور به برقراری رابطه جنسی با دوستانش می‌کرد.»

کودک‌آزاری نیز به شیوه‌های مختلفی مانند آزار جسمی، جنسی، روانی، محرومیت از تحصیل و کم‌توجهی به سرنوشت کودکان در خانواده‌ای که روسپیان در آن بزرگ شده‌اند مشاهده می‌گردد. مصاحبه‌شونده هشتم در این خصوص می‌گوید:

«پدرم معتاد بود و از من می‌خواست که از بیرون برایش مواد تهیه کنم. هرچند تمایلی به این کار نداشتم ولی پدرم مرا مجبور به این کار می‌کرد و اگر سرپیچی می‌کردم مرا کتک می‌زد».

در شرایط خانوادگی نابسامان توجه بسیار کمی به آینده و سرنوشت کودکان وجود داشته است. مصاحبه‌شونده هفتم می‌گوید:

«شغل پدر و مادرم سازوآواز خوانی در مراسم عروسی بود و چون مدام در حال مسافرت بودند مجبور بودند مرا نیز با خود به این مجالس ببرند و من از ادامه تحصیل محروم شدم و همراه آن‌ها در مراسم عروسی شرکت می‌کردم».

در واقع خشونت در انواع و مدل‌های مختلف آن چه در دوران کودکی و چه در دوران بزرگسالی نقش مؤثری در گرفتار شدن این زنان و دختران در چرخه فقر، بی‌پناهی و آسیب‌پذیری اجتماعی دارد.

ضعف مهارت‌های اجتماعی: یکی از مهم‌ترین عوامل مداخله‌ای در گرایش زنان به سمت آسیب‌های اجتماعی ضعف مهارت‌های ارتباطی و در نتیجه کشیده شدن به سمت روابط اجتماعی نامناسب است. بر اساس نظریه پیوند افتراقی سادرلند (صدیق سروستانی، ۱۳۹۰: ۴۹) افراد از طریق روابط اجتماعی ناسالم با افراد منحرف به سمت آسیب‌های اجتماعی گرایش پیدا می‌کنند. در پژوهش حاضر نیز مشاهده می‌گردد بسیاری از این زنان و دختران به‌این‌علت که محیط خانواده برای آن‌ها ناامن بوده و خلأ عاطفی در آن‌ها وجود داشته است به سمت دوستی‌های خیابانی کشیده شده‌اند و در واقع در بیرون از خانواده به دنبال آرامش روحی و تحقق آرزوهای خودشان هستند. این افراد به‌این‌علت که از آموزش و مهارت‌های لازم جهت زندگی اجتماعی درست و نحوه ارتباط با دیگران برخوردار نبوده‌اند در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند. مصاحبه‌شونده هشتم نیز در جواب این سؤال که آیا تا به حال عاشق شده است؟ می‌گوید:

«بله عاشق شده‌ام، عاشق یک مرد متأهل. من ۱۶ ساله و او ۳۸ ساله بود. زن و بچه داشت. انسان فهیم و با درک کمالات به نظر می‌رسید و من شیفته درک و فهم او شده بودم. قرار بود از همسرش جدا شود و با من ازدواج کند. بعدها که من معتاد شدم رابطه ما خیلی سرد شده بود و فقط به خاطر مصرف مواد همدیگر را می‌دیدیم و نتوانستیم با یکدیگر ازدواج کنیم».

مصاحبه‌شونده چهارم نیز در زمینه گذشته‌اش می‌گوید:

«پنج سال پیش با یکی از بچه‌های هم روستایی دوست شدم. به من قول ازدواج داد و من خیلی دلگرم بودم. البته معتاد بود و خرج اعتیاد او را هم من می‌دادم. با مادرم سر زمین‌های کشاورزی برای کارگری می‌رفتم. روزی ۲۵ هزار تومان درآمد داشتم که ۲۰ هزار تومان از آن را به آن پسر می‌دادم. قول ازدواج داده بود اما به من دروغ گفت و خیانت کرد».

خانواده متزلزل: خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی نقش غیرقابل‌انکاری در آموزش و تربیت اعضاء و شکل‌دهی هویت اجتماعی آنان دارد و اگر این نهاد کارکرد اجتماعی خود را به‌درستی انجام ندهد و دچار کژکارکرد شود آثار زیان‌بار اجتماعی برای جامعه و افراد دارد. در جامعه در حال گذاری همچون قلمرو مورد مطالعه احتمال بروز ناهنجاری‌های اجتماعی بیشتر می‌شود و نهادهای اجتماعی خصوصاً نهاد خانواده دچار آسیب‌های اجتماعی بیشتری می‌شود. بخش عمده‌ای از مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی افراد روسپی که نقش قابل‌توجهی در منحرف کردنشان دارد زندگی در درون یک خانواده نابسامان و ازهم‌گسیخته است. بسیاری از این زنان به خاطر فوت یا جدایی والدین از نعمت سرپرست محروم بوده و یا به علت وجود والدین معتاد و یا فقیر از بدسرپرستی رنج می‌برند. بی‌سرپرستی یا بدسرپرستی به‌نوبه خود مشکلات بیشتری را برای اعضاء خانواده ایجاد می‌کند؛ بروز تنش و

روسی‌گری: تحمیل اجتماعی یا انتخاب شخصی ... ۱۷۳

خشونت خانگی، احساس بی‌پناهی و شکل‌گیری روابط اجتماعی نامناسب، عدم توانایی در دستیابی به تحصیلات عالی و کسب موقعیت اجتماعی بالا، این افراد را با مشکلات و آسیب‌های اجتماعی مختلفی مواجه ساخته است.

بسیاری از این افراد به علت شرایط نامساعد خانوادگی و رشد در یک خانواده نابسامان در آینده نیز موفقیت چندانی نداشته و در ازدواج‌هایشان هم دچار مشکل شده‌اند و با مردانی ازدواج کرده‌اند که شرایط اجتماعی و فردی مناسبی نداشته‌اند. همین امر مشکلات خانوادگی بیشتری را برای آن‌ها ایجاد کرده و معمولاً دچار آسیب‌های فردی و اجتماعی مختلفی چون، همسر آزاری، خودکشی، افسردگی، روابط نامشروع، اعتیاد و طلاق شده‌اند. مصاحبه‌شونده هفتم که از شرایط زندگی خودش ناراضی بود در خصوص علت طلاقش می‌گوید:

«سال‌های خیلی سختی داشتم دیگه از همه چیز گذشتم، فقط بچه‌ها را قبول کردم و طلاق گرفتم». مصاحبه‌شونده سیزدهم که قبلاً روسپی بود و الآن واسطه‌گری می‌کند می‌گوید: «بعد از پنج سال که شوهرم از زندان آزاد شد به خاطر مرگ فرزندم با هم دعوا داشتیم و زندگی برای ما غیرقابل تحمل بود. بالاخره بعد چند سال طلاق گرفتم و دوباره زندگی تنها را شروع کردم».

اشتغال در شرایط سخت، ناسالم و با درآمد اندک نیز یکی از عوامل اثرگذار در زندگی اجتماعی و خانوادگی این افراد است که به علت عدم موفقیت در کسب تحصیلات عالی، نداشتن حامی و مشوق، زندگی با افراد منحرف و روابط اجتماعی ناسالم نتوانسته‌اند در مشاغل سطح بالا و با درآمد مناسب مشغول شوند و به سمت مشاغل موقتی، آسیب‌زا و کم‌درآمد کشیده شده‌اند که بر روند زندگی آن‌ها تأثیر منفی گذاشته است. مصاحبه‌شونده پنجم که بنا به مشکلات خانوادگی در یک هتل مشغول فعالیت بوده شرایط کاری خوبی نداشته است و بنا به اظهارنظر مددکار نامبرده از زمان کار در هتل روابط نامشروع و تن‌فروشی را شروع کرده و روزانه با افراد زیادی رابطه

داشته است. مصاحبه‌شونده هشتم نیز به علت فقر و نگاه سنتی خانواده به تحصیل دختران علی‌رغم کسب رتبه عالی در کنکور، اجازه تحصیل در دانشگاه را پیدا نکرده و ناچاراً در یک دفتر پیشخوان مشغول به کار شده است که همین مکان نقطه عطف در ورود وی به آسیب‌های اجتماعی داشته است.

سوابق تحصیلی: تمام روسپیان و واسطه‌های مشارکت‌کننده در این پژوهش از نظر تحصیلی در سطح پایینی قرار دارند و بالاترین مقطع تحصیلی در بین موارد مورد بررسی دیپلم می‌باشد. بررسی‌ها و مشاهدات نشان می‌دهد که علت اصلی عدم توفیق این زنان در ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر نداشتن حامی، بدسرپرستی یا بی‌سرپرستی، نگاه سنتی والدین به تحصیل کودکان دختر و ایجاد محدودیت برای این افراد و فقر مالی بوده است. در این میان فقر و بالا بودن هزینه‌های تحصیلی و ناتوانی والدین در تأمین این هزینه‌ها مانع از تحصیل کودکان در مقطع بالاتر بوده است. مصاحبه‌شونده چهارم که تا مقطع راهنمایی تحصیل و سپس ترک تحصیل نموده است در جواب علت این موضوع می‌گوید:

«تا کلاس نهم درس خواندم، می‌خواستم ادامه بدهم اما به خاطر شرایط مالی و هزینه‌های بالا ترک تحصیل کردم». مصاحبه‌شونده دوم می‌گوید: «همش به فکر کار بودم و فرصت تحصیل پیدا نکردم. با مادرم به مزارع پیاز و گوجه‌فرنگی می‌رفتیم و کارگری می‌کردیم».

شرایط راهبردی

انطباق فعال با وضع موجود: برخی از این زنان پس‌ازاینکه در شرایط نامناسب قرار گرفته و روابط نامشروع داشتند این امر را قبول کرده و به‌صورت فعال در این حوزه فعالیت داشتند. مثلاً مصاحبه‌شونده دوم و مصاحبه‌شونده اول دو خواهر روسپی که در سطح بسیار گسترده‌ای فعالیت داشتند بنا به اظهارنظر مددکار، روزانه با افراد

بسیار زیادی در ارتباط جنسی بوده‌اند و بنا بر نظر خودشان این موضوع امری طبیعی بوده است به طوری که آن‌ها از روابط جنسی گسترده‌شان رضایت داشته‌اند. مصاحبه‌شونده سیزدهم که در حال حاضر واسطه است و در گذشته روسپی‌گری می‌کرده است در این زمینه می‌گوید:

«چون مجبور به تهیه مواد بودم و هزینه زندگی سخت بود
روسی‌گری می‌کردم. یک روز در میان به خانه ... (واسطه) می‌رفتم و با
چند مشتری سکس انجام می‌دادم و او چهل - پنجاه تومان به من می‌داد.
با آن نشه خودم، پوشک بچه، کرایه و... را تأمین می‌کردم.»

مقاومت مقطعی / غیر پیوسته: بسیاری از این روسپیان حداقل در مقاطعی در برابر این شرایط مقاومت نشان می‌دادند و تلاش می‌کردند تا از این وضعیت رهایی پیدا کنند. آن‌ها در شرایطی که هزینه زندگی‌شان بالا بوده و یا اعتیاد نیز داشته‌اند چاره‌ای جز روسپی‌گری نداشتند. هرچند این وضعیت برای آن‌ها غیرقابل تحمل می‌شود بارها اقدام به ترک اعتیاد نموده، به دنبال شغل جهت تأمین هزینه‌های زندگی‌شان بودند و برای یافتن سرپناه و حامی به بهزیستی و مراکز حمایتی مراجعه می‌کردند. اما بخش زیادی از تلاش‌های این افراد به دلیل قرارگیری در چرخه‌ای از فقر، بی‌پناهی و روسپی‌گری نتیجه مثبتی نداشته است و مجدداً به شرایط قبلی برمی‌گشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های این تلاش‌های متوالی که منتهی به شکست‌های پی‌درپی می‌شده، ترک اعتیاد بوده است. به‌ویژه آنکه شرایط اقتصادی در جامعه به نحوی است که توانایی جذب و توانمندی این افراد از نظر اقتصادی در بسیاری از موارد نیز وجود ندارد. برنامه‌های حمایتی دولت نیز نواقص خاص خود را دارد؛ ارائه برنامه‌های بازپروری بر مبنای ایدئولوژی حاکم بر جامعه و پیاده کردن سیاست‌های اجتماعی که گاه متناقض و متضاد با اصول علمی، راهکار مناسبی در جهت توانمندسازی و بازپروری روسپیان به نظر نمی‌رسد. از این‌روست که بیشتر این زنان پس از بارها پذیرش در مراکز بازپروری بهزیستی و گذراندن برنامه‌های توانمندسازی، به دلیل عدم

توانایی تأمین هزینه‌های زندگی و مساعد بودن زمینه و شرایط اجتماعی و اقتصادی پیرامونشان، مجدداً به سمت روسپی‌گری گرایش پیدا می‌کنند.

پیامدها

تشدید آسیب‌پذیری در برابر عوامل مخاطره‌آمیز: روسپی‌گری زنان را در معرض انواع مخاطرات اجتماعی و روانی قرار می‌دهد: تحقیر، خشونت، استرس، فقر و مواردی از این دست روسپیان را از نظر اجتماعی و روانی به شدت آسیب‌پذیر کرده است. افسردگی، اختلالات روانی، ناامیدی، بیماری‌های جسمی، بیماری‌های واگیردار مانند: ایدز و هپاتیت و بسیاری مسائل و مشکلات دیگر نیز می‌تواند در نتیجه روسپی‌گری بروز کند. مصاحبه‌شونده سوم که اکنون در مرکز بازپروری بهزیستی به سر می‌برد در مورد شرایط روحی و روانی خود می‌گوید:

«الآن که در بازپروری هستم نمی‌توانم خودم را کنترل کنم، یا باید

گریه کنم یا به کسی آسیب می‌زنم و یا چیزی را می‌شکنم. سه سال است

که قرص اعصاب می‌خورم، حتی یک‌بار هم خودکشی کرده‌ام».

خودکشی به‌عنوان یکی از عوارض و تبعات اجتماعی- روانی روسپی‌گری در بیشتر این زنان مشاهده می‌گردد. بسیاری از آنها به دلیل فشارهای اجتماعی و روانی ناشی از «زندگی به‌عنوان روسپی» اقدام به خودکشی نموده‌اند. مصاحبه‌شونده نهم که پس از ترخیص از بازپروری ازدواج کرده است (ازدواج موقت) از شرایط زندگی خود بسیار ناراضی بوده و از رفتارهای خشونت‌آمیز شوهر و بی‌توجهی خانواده پدری خود گلایه‌مند است و می‌گوید:

«خانواده‌ام خبر مرا نمی‌گیرد و بودند من برای آنها فرق نمی‌کنند.

شوهرم مرا خیلی اذیت می‌کند. برای همین تصمیم به خودکشی گرفتم».

در واقع زنان روسپی به دلیل وضعیت اجتماعی نامطلوب اجتماعی‌شان در برابر

آسیب‌های اجتماعی و روانی بی‌دفاع و آسیب‌پذیرتر به نظر می‌رسند.

قرارگیری مداوم در معرض خشونت: یکی از ویژگی‌های بارز روسی‌گری خصوصاً روسپیان فقیر و کم‌بضاعت قرارگیری در معرض خشونت جنسی، جسمی و روانی است. زنان روسپی به‌صورت مدام در برابر خواسته‌های مشتریان قرار دارند که معمولاً نرخ و شرایط معامله را آن‌ها تعیین می‌کنند و حضور در پاتوق‌ها همراه با مصرف مواد مخدر و مواد روان‌گردان، سکس‌های گروهی، رفتارهای توهین‌آمیز و... روابط جنسی توأم با خشونت را برای زنان در پی دارد. حتی بسیاری از این زنان که با اتخاذ استراتژی مقاومت مقطعی و با حمایت‌های اجتماعی و بهزیستی سعی در بهبود شرایط اجتماعی‌شان دارند نمی‌توانند از این خشونت‌ها رهایی یابند و در زندگی جدیدشان نیز در معرض خشونت قرار دارند. مصاحبه‌شونده یازدهم در زمینه شرایط نامساعد خودش می‌گوید:

«چون معتاد بودم برای اعتیاد هر کاری می‌کردم و با هر کس و ناکسی رابطه داشتم. بارها و بارها مردها به من تجاوز کردند، مرا کتک زدند و با من مثل یک حیوان برخورد کردند».

مصاحبه‌شونده اول نیز در خصوص شرایط بد زندگی خود می‌گوید:

«شوهرم مرا کتک می‌زد. یک‌بار با لوله آب‌گرم‌کن مرا کتک زد که چشمانم خون جمع کرده بود. او فقط می‌خواست من بمیرم. به من می‌گفت: تو بچه بهزیستی هستی از یک بچه بهزیستی چه توقعی داری که زن زندگی شود».

عمده زنان روسپی که وارد این بازار می‌شوند از خشونت جنسی رنج می‌برند. انجام سکس به شیوه‌های مختلف، سکس‌های گروهی و سکس مکرر در یک روز زنان روسپی را از لحاظ جسمی و روانی در معرض خشونت قرار می‌دهد. حتی بسیاری از این‌ها که برچسب روسپی خورده بودند در خانواده نیز امنیت نداشتند و از طرف اعضاء خانواده و آشنایان نیز مورد سوءاستفاده و خشونت قرار می‌گرفتند. مصاحبه‌شونده ششم

۲۵ ساله می گوید:

«هر دفعه که دوستم را ملاقات می کردم ۱۰ یا ۲۰ هزار تومان به من می داد. از این موضوع یک سال گذشت. یک روز که به خانه آنها رفتم با آن پسر و دو نفر از دوستانش مواجه شدم. او به من اصرار کرد که اینها دوستان من هستند و از نظر من ارتباط جنسی با آنها اشکالی ندارد و مرا مجبور به رابطه با آنها کرد؛ وی در ادامه می گوید: حتی برادر ۱۷ ساله من وقتی که متوجه ارتباطات من با دیگران شد وقتی در خانه بودیم مرا مجبور به رابطه جنسی می کرد. هر چه من مقاومت می کردم و می گفتم من خواهر تو هستم فایده ای نداشت و من چاره ای جز تسلیم شدن نداشتم».

خانواده زدایی از زندگی روزمره: یکی از مهم ترین پیامدهای روسپی گری خانواده زدایی است. به نحوی که زنان روسپی نمی توانند زندگی خانوادگی بسامان و بهنجاری را تشکیل دهند. شرایط اجتماعی و خانوادگی این افراد تحت الشعاع روسپی گری قرار می گیرد و از حالت متعادل خارج می شود و زندگی خانوادگی شان شرایطی به مراتب بدتر از گذشته پیدا می کند. روابط گسترده جنسی، ازدواج های موقت پی در پی، بارداری های نامشروع، سلب حضانت کودکان و نظایر اینها از ویژگی های بارز این نوع شرایط خانوادگی به شمار می رود. این زنان حتی پس از بازپروری نیز نمی توانند شرایط خانوادگی مطلوب را به دست بیاورند. این زنان به خاطر برچسب روسپی خوردن از نگاه دیگران افراد منحرف و غیرقابل اطمینان به شمار می روند و معمولاً در ازدواج مجدد توفیق چندانی ندارند و بیشتر به صورت موقت ازدواج می کنند و اگر ازدواج دائم هم داشته باشند در زندگی خانوادگی دچار اختلافات حاد خانوادگی شده و ناچار به طلاق می شوند. مصاحبه شونده سوم در خصوص ازدواج خودش می گوید:

«در بازپروری بودم که با یک مرد ۵۰ ساله ازدواج نمودم. وضع مالی خوبی داشت. متأسفانه پسرش مرا اذیت می‌کرد. هر کاری دوست داشت انجام می‌داد و هرکسی را که دوست داشت به خانه می‌آورد. خودش و دوستانش با من رابطه جنسی برقرار می‌کردند. من هم جرات نمی‌کردم به شوهرم بگویم چون از او می‌ترسیدم. ناچاراً درخواست طلاق دادم ولی او قبول نمی‌کرد. من که خودم یک دوست‌پسر داشتم او را به شوهرم معرفی کردم و وقتی شوهرم متوجه موضوع شد با درخواست طلاق من موافقت کرد.»

بحث و نتیجه‌گیری

روسی‌گری به‌عنوان یک آسیب اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی-اقتصادی قرار دارد. در واقع روسی‌گری هم تحت تأثیر عوامل اجتماعی است و هم متأثر از قوانین بازار اقتصادی است. بر اساس مطالعات و پژوهش‌های مختلف صورت گرفته (Sawyer & Metz, 2008, & Donovan, harrcourt, 2005) مدل‌های مختلف روسی‌گری وجود دارد که افشار و گروه‌های مختلفی را شامل می‌شود. بسیاری از این گروه‌ها آگاهانه به این حوزه وارد شده‌اند و آن را به‌عنوان یک حرفه و شغل پذیرفته‌اند و می‌توان گفت روسی‌گری انتخاب شخصی آن‌ها است. اما بخش عمده‌ای از روسی‌گری به دلیل شرایط اجتماعی-اقتصادی نامناسب جامعه بوده و روسی‌گری به‌عنوان آسیب اجتماعی زاینده شرایط ناسالم و بحرانی جامعه است.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد روسی‌گری پدیده‌ای اجتماعی - اقتصادی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی بروز و تداوم پیدا می‌کند. بر این اساس عواملی از قبیل فقر تشدید شونده خانوار، رونق بهره‌کشی جنسی و بی‌پناهی اجتماعی تأثیر مستقیم بر شکل‌گیری این پدیده دارند. بی‌ثباتی در شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه و وجود نقصان در برخی از قوانین مرتبط با خانواده و زنان زمینه و بستر لازم برای بروز پدیده

را فراهم می‌کند. همچنین عوامل مداخله‌ای ازدواج نادرست، محدودیت‌ها و محرومیت‌های ناشی از فرهنگ سنتی، اعتیاد، خشونت خانگی، خانواده متزلزل، تحصیلات پایین و ضعف مهارت اجتماعی بر روسپی‌گری مؤثر می‌باشند. برخی از روسپیان در مقابل شرایط بوجود آمده مقاومت مقطعی انجام داده اما شرایط اجتماعی به‌گونه‌ای است که به‌ناچار دست از مقاومت برمی‌دارند و شرایط موجود را قبول می‌کنند. برخی از آن‌ها نیز با شرایط موجود انطباق فعال دارند و آن را بخشی از زندگی واقعی خود می‌دانند. پیامدهای چنین شرایطی درگیر شدن در چرخه فقر، بی‌پناهی و بهره‌کشی جنسی، تشدید آسیب‌پذیری در برابر عوامل مخاطره‌آمیز، قرارگیری مداوم در معرض خشونت و خانواده زدایی از زندگی روزمره است. مشابه با نتایج این پژوهش، ترکیب‌های مختلفی از شرایط حاکم بر پدیده روسپی‌گری، را می‌توان در مطالعات دیگری مانند ضرغامی (۱۳۹۳)، رنجبر و شرافتی پور (۱۳۹۵)، چرچ (۲۰۰۳) و فاتحی و همکاران (۱۳۸۹) مشاهده کرد.

از دیگر سو در قلمروی مورد مطالعه، روسپی‌گری به‌عنوان یک آسیب اجتماعی از الگوهای اقتصادی و قوانین بازار تبعیت می‌کند و باعث شکل‌گیری بازاری تحت عنوان بازار روسپی‌گری شده است. جاذبه دریافت خدمات جنسی و دریافت پول در قبال ارائه خدمات جنسی به این بازار رونق خاصی بخشیده است. وجود عرضه و تقاضا، نرخ‌گذاری، فروشنده (روسپی)، خریدار (مشتري)، دلال (واسطه) و کالا (خدمات جنسی) به‌وضوح در بازار روسپی‌گری مشهود است و آن را به پدیده‌ای اقتصادی-اجتماعی تبدیل کرده است. درک بازاری از پدیده روسپی‌گری در بسیاری از مطالعات و نظریه‌های این حوزه از جمله هوول (۲۰۰۳)، نیازخانی و کلاکی، ۱۳۸۹ و بیلی لانگ (۲۰۱۲) نیز مورد تأکید قرار داشته است.

در شرایط اقتصادی جامعه مورد مطالعه که ساختارهای اقتصادی ضعیف و ناکارآمد دارد و فقر و بیکاری جبران هزینه‌های اقتصادی افراد و خانواده و تأمین معیشت آن‌ها را با مشکل مواجه ساخته است، قوانین و شرایط این بازار به نفع متقاضیان و دلالان تغییر یافته است و عرضه‌کنندگان خدمات در شرایطی قرار دارند که با

حداقل دریافتی و قبول شرایط تعیین شده از طرف متقاضی یا دلال حاضر به مبادله می‌شوند. در نتیجه روسپیان که به امید تأمین معیشت و بهبود شرایط زندگی در این بازار وارد شده‌اند نتوانسته‌اند از این مبادله سود لازم را ببرند و وضعیت زندگی‌شان در شرایط بحرانی قرار دارند. در واقع زنان روسپی به علت فقر و بی‌پناهی و فقدان قدرت چانه‌زنی، توانایی لازم جهت بهره‌مندی لازم از مواهب مادی نقش‌آفرینی خودخواسته یا تحمیلی‌شان در بازار مورد بحث را ندارند. از این رو می‌توان گفت این بازار، نوعی بهره‌کشی جنسی از زنان روسپی فقیر به نفع مشتریان و واسطه‌ها است. چنین دریافت‌هایی با نتایج گزارش شده در مطالعات قیوم و همکاران (۲۰۱۳)، شکرپیگی و قزوینه (۱۳۹۶) و بیلی لانگ (۲۰۱۲) مشابهت دارد.

جهت کاهش فقر در بین زنان و جلوگیری از گرفتار شدن در چرخه فقر، بی‌پناهی و بهره‌کشی جنسی توجه به وضعیت معیشتی و اشتغال زنان امری ضروری است. در واقع اشتغال مناسب و پایدار در محیط کاری امن جهت جلوگیری از زنانه شدن فقر و افزایش توانمندسازی اقتصادی - اجتماعی زنان باید در سیاست‌گذاری اجتماعی دولت در اولویت قرار گیرد. همچنین چتر حمایتی دولت در زمینه تأمین مسکن، بیمه و معیشت زنان باید گسترش یابد؛ چرا که بسیاری از زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش پس از طرد از سوی خانواده دچار بی‌پناهی اجتماعی شده و حمایت اجتماعی لازم را دریافت نکرده‌اند. به‌طور کلی جهت بازپروری زنان روسپی تحت حمایت سازمان بهزیستی، تخصیص اعتبارات کافی، افزایش اختیارات این سازمان و کاهش دخالت سایر ارگان‌های دولتی که نگاه سلبی به موضوع روسپی‌گری دارند در حیطه وظایف سازمان بهزیستی، ضروری است.

در نهایت به نظر می‌رسد ارائه خدمات گسسته، مقطعی و محدود به زنان درگیر با مسئله روسپی‌گری که نیازمند وارد شدن به فرایندهای کارشناسانه و حرفه‌ای مددکاری اجتماعی در هر سه سطح فردمحور، خانواده محور و جامعه‌ای هستند، عملاً راه به‌جایی نخواهد برد. بنابراین گستراندن چتر حمایت‌های حوزه مددکاری اجتماعی به صورتی فراگیر و صیانت از فرایندهای حرفه‌ای در برابر اعمال سلیقه‌های غیرتخصصی و ملاحظات مبتنی بر سوگیری و یا پیش‌داوری، ضرورتی انکارناپذیر است.

منابع

- ابوالحسن تنهایی، حسین. (۱۳۷۴). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: مرنديز.
- ایزدی، حسین و ضرغامی، افراسیاب. (۱۳۹۳). عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر پدیده روسپی‌گری در شهر شیراز در سال ۱۳۸۹، *توسعه اجتماعی*. ۹ (۱).
- بی، ارل. (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه: رضا فاضل. تهران: سمت.
- بهزیستی خراسان شمالی. (۱۳۹۶). دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی معاونت امور اجتماعی.
- بهزیستی کشور. (۱۳۹۶). دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی معاونت امور اجتماعی.
- ترابی، یوسف. (۱۳۹۰). نقش دین و معنویت در پیشگیری از جرم. (با تأکید بر دین اسلام). *کارآگاه*. شماره ۱۴.
- جربانی، حمید. (۱۳۸۹). بررسی آماری جرائم زنان ایران. *مجله حقوقی دادگستری*. ۷۲.
- جعفری، تیمور. (۱۳۹۴). بررسی آماری و تحلیل جغرافیایی اقوام ساکن در آبادی‌های خراسان شمالی. *فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی*. ۲. (۷).
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۱). نظریه و روش در تحقیقات کیفی. *فصلنامه علوم اجتماعی*. شماره ۱۷.
- ربانی خوراسگانی، علی و قانع عزآبادی، فرزانه. (۱۳۹۴). بررسی تجارب زیسته زنان روسپی (مورد مطالعه: شهرهای یزد و اصفهان). *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران* (پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی). ۴ (۲).
- رنجبر، بهرام و شرافتی پور، جعفر. (۱۳۹۵). تأثیر ازهم‌گسختگی خانوادگی بر خیابانی شدن زنان. *انتظام اجتماعی*. ۸ (۱).
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان شمالی. (۱۳۹۶). گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان خراسان شمالی سال ۱۳۹۵. معاونت برنامه‌ریزی: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان شمالی.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۹). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*. تهران: آوای نور.
- شکریگی، عالیه و قزوینه، ژیلا. (۱۳۹۶). روسپی‌گری زنان (مورد پژوهی روسپی‌گری زنان کولی در محله حکمت‌آباد کرمانشاه). *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*. ۱۵. (۳).
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۹۰). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*. تهران: انتشارات سمت.

روسی‌گری: تحمیل اجتماعی یا انتخاب شخصی ... ۱۸۳

- عباس زاده، محمد و حسین پور، ابراهیم. (۱۳۹۰). کاربرد تثلیث در پژوهش‌های کیفی (با تأکید بر رویکرد نظریه زمینه‌ای). *فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی*. ۱۷ (۶۷).
- علوی، سید حمیدرضا. (۱۳۸۹). تأثیر عوامل اجتماعی بر گرایش افراد به اعتیاد، سرقت و روسپی‌گری، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال دوم، شماره دوم.
- فاتحی، ابوالقاسم؛ صادقی، سعید و اخلاصی، ابراهیم. (۱۳۸۹). *توصیف و تحلیل ویژگی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی دختران و زنان روسپی در استان اصفهان*.
- محمدپور، احمد. (۱۳۸۸). بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه نظریه زمینه‌ای: مطالعات موردی ایلات منگور و گورک. *فصلنامه خانواده‌پژوهشی*. سال پنجم. شماره ۱۹.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). *ضد روش: منطق و طرح روش‌شناسی کیفی* (جلد ۲). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد و ایمان. (۱۳۸۷). بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورمانات تخت کردستان: ارائه یک نظریه زمینه‌ای. *فصلنامه رفاه اجتماعی*. ۷ (۲۸).
- مسلمی بیدهندی، پروین؛ آقابخشی، حبیب‌اله و اسماعیلی، ایرج. (۱۳۹۲). نحوه تأمین نیاز عاطفی زنان از سوی مردان و نقش آن در روسپی‌گری زنان: *پژوهش اجتماعی*، ۶ (۱۹).
- وروایی، اکبر؛ نیازخانی، مرتضی و کلاکی، حسن. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر عوامل اقتصادی بر گرایش به ناهنجاری اجتماعی و راهکارهای انتظامی - اجتماعی پیشگیری از آن (مطالعه موردی روسپی‌گری خیابانی). *انتظام اجتماعی*. ۲ (۱).
- یوسفی، علی و دیگران. (۱۳۹۴). شناسایی عوامل تعیین‌کننده فقر چندبعدی در مناطق روستایی ایران، *پژوهش‌های روستایی*. ۶ (۴).

- Cho S. (2013). *Does Legalized Prostitution Increase Human Trafficking?*. *World Development*, 41:67-82.
- Church S. (2003). *The social organization of sex work: implications for female prostitute's health and safety*. (PhD thesis submitted in University of Glasgow).
- Dhavaleshwar, C. U., & Umesh, T. (2012). *Socio Economic Status of Prostitutes and Intervention of Social Work*. *Thematic Journal of Social Sciences*, 1 (4), 102-105.
- Egan T. M. (2002). *Grounded theory research and theory building*. *Advances in developing human resources*, 4(3), 277-295.

- Flick, U. (2018). *An introduction to qualitative research*. Sage Publications Limited.
- Golafshani, N. (2003). *Understanding reliability and validity in qualitative research*. The qualitative report, 8(4), 597-606.
- Harcourt, C., & Donovan, B. (2005). *The many faces of sex work. Sexually transmitted infections*, 81(3), 201-206.
- Howell, J. (2003). *Economic and social obligations of women street prostitutes in Southern Mexico* (No. 278). Michigan State University.
- Igbo, E. U. M., & Anugwom, E. E. (2002). *Social change and social problems: A Nigerian perspective*. AP Express Publishers.
- John-Fisk, H. (2013). *Uncovering the realities of prostitutes and their children in a cross national comparative study between India and the US*. The University of Utah.
- Long, Billy (2012). *Freedom for Women in the Sex Work Occupation: Twenty-Three Reasons Why Prostitution Should Be Legalized In America*, International Journal of Humanities and Social Science Vol. 2 No. 16.
- Nnachi, R. O. (2007). *Advanced psychology of learning and scientific enquiries*. Enugu: JJ Classic Publishers Ltd.
- Qayyum, S., Iqbal, M. M. A., Akhtar, A., Hayat, A., Janjua, I. M., & Tabassum, S. (2013). *Causes and Decision of Women's Involvement into Prostitution and its Consequences in Punjab, Pakistan*. Academic Research International. 4(5): 398.
- Ritchie, J., Lewis, J., Nicholls, C. M., & Ormston, R. (Eds.). (2013). *Qualitative research practice: A guide for social science students and researchers*. sage.
- Sallmann, J. (2010). Living with stigma: women's experiences of prostitution and substance use. *Journal of Women and Social Work*. 25 (2), 146-159.
- Sawyer, S. P., & Metz, M. E. (2009). The attitudes toward prostitution scale: Preliminary report on its development and use. *International journal of offender therapy and comparative criminology*, 53(3), 334-347.
- Scott, J., & Marshall, G. (2009). *A dictionary of sociology*. OUP Oxford.